

### متن پرسش

استاد عزیز سلام و عرض ادب: چند روز پیش از ترور شهید بزرگوار و قهرمان ملیمان، این مجاهد خود ساخته و بزرگ، می خواستم از شما سوال کنم که باید با خفقانی که ضد انقلاب حتی در داخل کشور برای انقلابی ها و ولایی ها ایجاد کرده اند چه کرد؟ آیا باید برای جذب جوانان و تبلیغ دین عقیده و جوشش آتشین عشقمان را نسبت به انقلاب و رهبری مخفی کنیم یا آن را صریح ابراز کنیم یا باید ابتدا مقدمات را فراهم کنیم و بعد ابراز کنیم؟ ولی امروز تحلیل دیگر و سوال دیگری دارم. عقیده دارم فصل جدیدی در رجوع به ولایت فقیه و اندیشه انقلاب اسلامی آغاز شده است. آن هایی که با برچسب زنی و دو قطبی سازی، فضای خفقان و انزوا را برای نیروهای انقلابی و ولایی ایجاد کرده بودند و اوباش مجازی و رسانه هایشان با هوچی گری و تمسخر، اجازه ابراز عقیده را از ایشان گرفته بودند، پس از این حادثه بزرگ، خود در انزوا قرار گرفتند و دهانشان برای مدت ها از این سیلاب پایان ناپذیر مردم در حمایت از تفکر انقلابی و روحیه ولایت مداری باز خواهد ماند. به عقیده من این جمله دختر سردار که «پدر ما را برای پشتیبانی از ولایت فقیه تربیت کرد» جز در این فضا اینچنین مورد توجه و استقبال قرار نمی گرفت. اکنون و پیش از آنکه در مقاله ای مفصل تحلیل و نظر خود را منعکس کنم قصد دارم نظر شما استاد و اندیشمند بزرگ دوران انقلاب را که عمری در تبیین اندیشه و جایگاه و راه انقلاب اسلامی صرف فرموده اید در این مورد جويا شوم تا با چشمی باز و کلامی پخته شده به نور معرفت درستی یا نادرستی تحلیل خود را از جنابعالی جويا شوم؟ آیا این احساسات مردمی زودگذر است یا حقیقتاً فصل جدیدی در رجوع به ولایت فقیه و تبعیت و پیروی هرچه بیشتر از ایشان و درک درست مقام و جایگاه ولایت، گشوده شده است؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. به نظر بنده با طرح مقدمات می توانیم مردم را متوجهی انقلاب و جایگاه رهبر انقلاب بنماییم، به عنوان حقیقتی که به دنبال آن هستند و از آن غفلت دارند بدون آن که عنادی داشته باشند. ۲. حقیقتاً باطن اکثر بالاتفاق مردم ایران منور به نور انقلاب و ارادت به رهبری انقلاب است. باید آن ها را با زبانی نرم متوجهی امر باطنی شان نمود.

تا زمانی که جهشی به سوی هستی خود انجام نداده ایم نمی توانیم تقدیر هستی خود را احساس کنیم و سخن هستی خود را بشنویم. آن طور که با یاد حاج قاسم در درون ما آن حالت به صدا درآمد، چیزی

جز سخن هستی ما نبود، هرچند در همان حالت هم باز هستی ذات خود را از ما دریغ می‌دارند تا راه  
ادامه یابد.

موفق باشید